



## ابطال سند سجلی ناشی از رد تابعیت و اعتراض به آن

محمدحسین توکلی مقدم\*

رضا معبودی نیشابوری\*\*

### چکیده

براساس ماده ۴۵ قانون ثبت احوال، وقتی در تابعیت فردی که دارای سند سجلی و شناسنامه می‌باشد، تردید حاصل گردد، موضوع از سوی ثبت احوال به شورای تامین شهرستان اعلام می‌گردد که در صورت رد تابعیت، هیات حل اختلاف ثبت احوال محل صدور سند سجلی، رای به ابطال سند سجلی و شناسنامه فرد مشکوک التابعه صادر می‌نماید؛ این رای قابل اعتراض در محاکم حقوقی دادگستری محل اقامت خواهان است که اشخاص حقیقی به طرفیت ادارات ثبت احوال با تقدیم دادخواست به عنوان دعوای غیر مالی به "خواستہ اعتراض به رای هیات حل اختلاف ثبت احوال نسبت به ابطال سند سجلی و شناسنامه ناشی از تصمیم رد تابعیت در شورای تامین شهرستان" اقدام می‌نمایند. در این مقاله به طور مختصر، موضوع اعتراض به رای هیات حل اختلاف ثبت احوال (ابطال سند سجلی ناشی از رد تابعیت) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** تابعیت، مشکوک التابعه، شورای تامین شهرستان، هیات حل اختلاف ثبت احوال، دادگاه محل اقامت خواهان

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات خراسان رضوی، مستشار دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی.

\*\* دکترای تخصصی حقوق خصوصی، استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، وکیل پایه یک دادگستری.  
پست الکترونیک: MABOUDI@GMAIL.COMAZER



## مقدمه

براساس بند «الف» ماده ۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ از جمله مهمترین و اصلی ترین وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است. پس از صدور شناسنامه، به موجب مواد ۹۹۹ و ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸ قانون مدنی، این سند در برابر تمام اشخاص حقوقی و حقیقی به عنوان سند رسمی معتبر شناخته و قابل خدشه نمی باشد، تا زمانی که براساس مقررات از سوی هیأت های حل اختلاف موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال و محاکم قضایی ابطال گردد.

یکی از مواردی که موجبات بی اعتباری سند سجلی و ابطال آن را از سوی هیأت حل اختلاف ثبت احوال فراهم می آورد، اعمال ماده ۴۵ قانون ثبت احوال و دستورالعمل اجرایی آن است، بدین صورت که چنانچه مراجع تصمیم گیرنده (شورای تامین شهرستان) در راستای رسیدگی به هویت و تابعیت اشخاص مشکوک التابعه، رد تابعیت ایشان را اتخاذ نمایند، هیأت حل اختلاف موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال رأی به ابطال سند سجلی فرد مشکوک التابعه صادر می نماید، از طرفی به موجب ماده ۴ قانون اخیرالذکر و رای وحدت رویه ۷۲۶-۱۳۹۱/۴/۲۷ هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور شخصی که سند سجلی او ابطال گردیده، این حق برای وی ایجاد می گردد تا در دادگاه محل اقامت خویش، اعم از دادگاه بخش یا دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اقدام به تقدیم دادخواست دعوی غیرمالی به خواسته اعتراض به رای هیات حل اختلاف ثبت احوال نسبت به ابطال سند سجلی و شناسنامه ناشی از تصمیم رد تابعیت در شورای تامین شهرستان نماید.

در این نوشتار به لحاظ اهمیت بسیار زیاد موضوع تابعیت، به بررسی رد تابعیت افراد مشکوک التابعه با توجه به جایگاه تابعیت در قانون اساسی، قانون مدنی و کلیه قوانین و آیین نامه ها و دستورالعمل های مربوط و رأی وحدت رویه شماره ۶۵۸ هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور که از زمان صدور بسیار حایز اهمیت است، پرداخته شده تا با مطالعه نگارش حاضر نسبت به موضوع ابطال سند سجلی ناشی از رد تابعیت و اعتراض به آن و چگونگی رسیدگی آن در مراجع مربوط اعم از قضایی و اداری احاطه کامل حاصل گردد، چه بسا عدم دقت در رد تابعیت شخصی که تبعه بیگانه نباشد ضمن ایجاد مشکلات عدیده، مرگ معنوی را برای وی و خانواده او فراهم آورد. به امید اینکه با عنایت به اصول قانون اساسی و مذاقه در رسیدگی به این موضوع حتی یک مورد تصمیمی، خلاف قانون و عدالت گرفته نشود.

## ۱- تابعیت و انواع آن

### ۱-۱: مفهوم تابعیت

واژه تابعیت از نظر لغوی عبارت است از پیروی کردن، اطاعت کردن، از افراد یک کشور و دولت بودن<sup>۱</sup> در قانون اساسی و قانون مدنی قانون‌گذار به تعریف واژه تابعیت نپرداخته با این حال در صدر ماده ۹۷۶ قانون مدنی قانون‌گذار بدون تعریف واژه تابعیت، اشخاص ذیل را تبعه ایران دانسته است:

۱- کلیه ساکنان ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنان مسلم باشد، تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنان مورد اعتراض دولت ایران نباشد. ۲- کسانی که پدر آنان ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند. ۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند. ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنان در ایران متولد شده، به وجود آمده‌اند. ۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند در غیر این صورت، قبول شدن آنان به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است. ۶- هر زن تبعه خارجه که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد. ۷- هر تبعه خارجه که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

با این وجود برخی از حقوقدانان، تابعیت را رابطه‌ای سیاسی می‌دانند که فردی یا چیزی را به دولتی مرتبط می‌سازد به طوری که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود، مانند تابعیت هر کس نسبت به دولت متبوع و تابعیت کشتی و هواپیما؛ در حقوق‌های مذهبی، ملاک تابعیت مذهب است و فاقد مذهب معین نسبت به اهل آن مذهب، اجنبی (کافر) محسوب می‌شود<sup>۲</sup>. تابعیت ممکن است به صورت ایقاع باشد<sup>۳</sup> و یا به صورت قرارداد و عقد باشد<sup>۴</sup>.

### ۲-۱: انواع تابعیت

تابعیت انواع مختلفی دارد که به شرح ذیل است:

۱- تابعیت ارضی: طریقی که تابعیت اشخاص از روی محل تولد آنان معین می‌شود؛ در اصطلاح دیگر آن را تابعیت محل تولد و سیستم خاک نامیده‌اند.

۱- معین، ۱۳۸۱، ۹۹۱.

۲- جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ۱۱۵.

۳- ماده ۹۷۶ قانون مدنی.

۴- ماده ۹۷۹ به بعد قانون مدنی برگرفته از آل کجاف، ۱۳۸۹، ۱۶.



۲- تابعیت اشتقاقی: تابعیت است که بعد از تاریخ تولد تا وقتی که شخص زنده است، در اثر اعمال حقوقی شخص یا نماینده قانونی او ممکن است تحصیل شود، مانند تحصیل تابعیت در اثر سکونت مدت معینی در کشور خارجه و یا کسب تابعیت در اثر ازدواج.

۳- تابعیت اصلی: تابعیتی که در زمان تولد به شخص تحمیل می‌شود.<sup>۱</sup>  
۴- تابعیت اکتسابی: تابعیتی است که از طریق ازدواج یا پذیرش کشور دیگر است.  
۵- تابعیت تبعی: تابعیت که به مناسبت ازدواج به زوجه و به مناسبت فرزند بودن به فرزند صغیر تحمیل می‌شود؛ در مورد اول، تابعیت زوج و در مورد دوم، تابعیت پدر تحمیل می‌شود.<sup>۲</sup>

۶- تابعیت محل تولد: طریقه‌ای است که به موجب آن تابعیت شخصی از روی محل تولد وی معین می‌شود؛ از این طریقه، به سیستم خاک در مقابل سیستم خون تعبیر می‌شود.<sup>۳</sup>

قانون گذار در اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان داشته «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» و در اصل ۴۲ آن آمده است که «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنان را بپذیرد یا خود آنان درخواست کنند.»

در رویه قضایی رأی اصراری شماره ۱۲۱ مورخ ۱۳۴۷/۷/۲۴ در خصوص تابعیت، بسیار زیبا بیان شده که «...تابعیت وصف و در عین حال رابطه حقوقی خاصی است که شخصی را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می‌سازد و جزء عناصر و اوصاف ایجاد کننده حالت یا به تعبیر دیگر موقعیت حقوقی فرد در اجتماع قرار می‌گیرد که به لحاظ ارتباط آن با نظم عمومی به طور کلی قابل اسقاط و اعراض به اتکای اقدام حقوقی یک جانبه شخص و یا قابلیت انتقال به غیر و یا شمول مرور زمان نیست و در عین حال منشا اثر از لحاظ ایجاد حقوق و تکالیف و الزامات خاص می‌گردد و چون به موجب ماده ۹۸۸ قانون مدنی، اتخاذ تصمیم در خصوص موافقت یا مخالفت با درخواست خروج از تابعیت ایران به فرض وجود شرایط قانونی دیگر نیز جزء اختیارات و تکالیف اختصاصی هیات وزیران شناخته شده و ذاتاً دارای جنبه حاکمیتی می‌باشد، ورود دادگاه به ماهیت

۱- مواد ۹۷۶ و ۹۸۴ قانون مدنی.

۲- ماده ۹۷۶ قانون مدنی.

۳- لنگرودی، ۱۳۷۰، ۱۳.

دعوی فاقد مجوز قانونی بوده است. تابعیت چشمه زاینده کلیه حقوق سیاسی و مدنی است و شخص تابع اگر شکایت از حقوق سیاسی خود داشته باشد، دعوی او سیاسی و چنانچه از حقوق مدنی شاکی باشد، دعوی او حقوقی تلقی می شود.<sup>۱</sup>

## ۲- مشکوک التابعه

شک از نظر لغوی به معنی گمان با یقین جمع شکوک تردید کردن در تکلیف شرعی مانند تردید در رکعات نماز<sup>۲</sup> و مشکوک به معنی آنچه مورد شک باشد، گمان کرده شده و نامعلوم را گویند<sup>۳</sup>. از نظر مفهومی، اصطلاح مشکوک التابعه به افرادی اطلاق می شود که دارای اسناد سجلی و شناسنامه بوده لکن هویت و تابعیت ایرانی آنان بنا به دلایلی مورد تردید واقع گردد، خواه اسامی آنان در لیست اسامی افراد مشکوک التابعه ثبت گردیده یا ثبت نشده باشد<sup>۴</sup>.

در مقررات و قوانین کشور، این اصطلاح در دستورالعمل اجرایی ماده ۴۵ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۸۱ مشاهده گردید. در بند «الف» این دستورالعمل در مواد ۱۳ تا ۱۵ آن این چنین آمده است:

«۱۳- پس از وصول پاسخ مراجع مذکور، رییس اداره ثبت احوال مدارک ارایه شده و پاسخ‌های رسیده را از حیث تردید یا عدم تردید در هویت و تابعیت دقیقاً بررسی می نماید، چنانچه هویت و تابعیت متقاضی مورد تردید واقع گردید، پرونده را برابر (نمونه شماره ۱۵) جهت بررسی و احراز تابعیت به شورای تامین ارسال می دارد. ۱۴- چنانچه با بررسی نظرات اعلامی و مدارک ارایه شده، هویت و تابعیت تقاضاکننده مورد تردید نبود، پرونده همراه با نظریه صریح مسوول اداره ثبت احوال شهرستان به اداره کل ثبت احوال استان ارسال می شود. (نمونه شماره ۱۶). ۱۵- رسیدگی به پرونده‌های موضوع بند ۱۴ با هیات سه نفره مرکب از مدیر کل، معاون حقوقی و سجلی و مسوول حراست استان خواهد بود تا بررسی دقیق مدارک و مستندات و تنظیم صورت جلسه (نمونه شماره ۱۷) نسبت به صدور مجوز تنظیم سند سجلی و صدور شناسنامه یا ارجاع پرونده جهت احراز تابعیت به شورای تامین شهرستان اعلام نظر نمایند. (نمونه شماره ۱۸)».

در بند «ب» این دستورالعمل آمده است: «افرادی که تابعیت آنان مشکوک است که در این دستورالعمل به اختصار افراد مشکوک نامیده می شود، به اشخاصی اطلاق

۱- علی آبادی، ۱۳۶۸، ۱۹۰ و ۱۹۶.

۲- معین، ۱۳۸۸، ۹۱۰.

۳- معین، ۱۳۸۸، ۱۴۹۲.

۴- گروه محققان، ۱۳۸۰، ۹.



می‌شود که دارای اسناد سجلی و شناسنامه بوده لیکن هویت و تابعیت ایرانی آنان بنا به دلایلی مورد تردید واقع گردد، خواه اسامی آنان در لیست اسامی افراد مشکوک ثبت گردیده و یا ثبت نشده باشد.»

لازم به ذکر است در این نگارش به وضعیت تابعیت افرادی که به موجب بند «ب» این دستورالعمل جهت احراز تابعیت ایشان، موضوع در قالب مشکوک التابعه به شورای تامین شهرستان اعلام می‌گردد، با عنایت به اینکه در کشور عزیز ما ایران، توزیع پراکندگی این افراد در سطح استان‌ها و نفوذ و رسوخ افراد بیگانه از کشورهای همسایه در سالیان متمادی و متأسفانه موفق شدن تعداد زیادی از آنان به اخذ مدارک سجلی قانونی، استان‌ها و شهرهای مرزی را مورد آسیب قرار داده و احتمال آسیب پذیری بیشتر آنان همچنان وجود دارد، پرداخته می‌شود.

### ۳- بررسی ماده ۴۵ و دستگاه‌های مرتبط جهت اعمال آن

ماده ۴۵ قانون ثبت احوال مقرر می‌دارد: «هرگاه هویت و تابعیت افراد مورد تردید واقع گردد و مدارک لازم جهت اثبات آن ارایه نشود، مراتب برای اثبات هویت به مراجع انتظامی و برای اثبات تابعیت به شورای تامین شهرستان ارجاع و در صورت تایید طبق مقررات اقدام خواهد شد.»

دستورالعمل اجرایی این ماده نیز به خوبی بیانگر سیر مراحل بررسی پرونده افراد مشکوک التابعه می‌باشد. لازم به توضیح است که با توجه به اینکه دستورالعمل اخیرالذکر یکی از مهمترین مصوبات شورای عالی ثبت احوال است، لذا قبل از پرداختن به این دستورالعمل، تبیین جایگاه قانونی شورای عالی ثبت احوال ضروری می‌نماید.

### ۳-۱: جایگاه قانونی شورای عالی ثبت احوال

براساس ماده ۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، برای مطالعه و پیشنهاد روش‌های فنی و اظهار نظر درباره اصلاح یا تغییر فرم‌ها، نمونه‌های سجلی و آماری، نحوه جمع‌آوری و انتشار آنها، تهیه دستورالعمل‌ها و روش‌های فنی سجلی و طرز جمع‌آوری اوراق باطله و تنظیم و نگهداری و حفاظت اسناد و مدارک سجلی در مرکز سازمان ثبت احوال کشور، شورایی به نام شورای عالی ثبت احوال تشکیل می‌شود. اعضای این شورا عبارتند از رئیس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم‌مقام او، یک نفر از استادان دانشکده حقوق به انتخاب رئیس دانشگاه تهران، یک نفر از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری و یک نفر از کارمندان مطلع ثبت احوال و نماینده مرکز آمار ایران، ریاست شورا با معاون وزارت کشور و رئیس سازمان ثبت احوال کشور و یا قائم مقام وی می‌باشد و



رای اکثریت، لازم الاجرا خواهد بود.

### ۳-۲: سیر مراحل بررسی پرونده افراد مشکوک التابعه

قبلاً گفته شد که یکی از مهمترین مصوبات شورای عالی ثبت احوال، دستورالعمل اجرایی ماده ۴۵ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۶۳ است؛ این دستورالعمل در خصوص چگونگی تشکیل و رسیدگی به پرونده افراد فاقد سند سجلی و نیز افرادی است که تابعیت آنان مشکوک می باشد. بند «الف» این مصوبه در خصوص افراد فاقد شناسنامه است و بند «ب» آن در رابطه با افراد مشکوک التابعه می باشد. در خصوص مبحث نگارش سیر مراحل بررسی پرونده افراد مشکوک (مشکوک التابعه) به شرح ذیل می باشد:

۱- ماموران ثبت احوال در صورت دریافت گزارش یا مواجه شدن با شناسنامه که هویت و تابعیت صاحب آن به قراین و دلایل منطقی مورد تردید واقع شده است، مکلفند از تسلیم شناسنامه به صاحب آن خودداری و آن را با گزارش به رییس اداره متبوع تسلیم نمایند. رییس اداره جهت بررسی و رفع تردید پیرامون هویت، نظر مراجع انتظامی محل صدور تولد و محل یا محل های سکونت را اخذ، سپس پرونده را جهت اعلام نظر در مورد تابعیت به شورای تامین محل صدور ارسال می دارد (فرم شماره ۱۵) تا با اخذ نظر شوراهای تامین محلی محل تولد و محل یا محل های سکونت نسبت به بررسی پرونده و اعلام نظر نهایی در مورد تابعیت متقاضی اقدام نماید.

۲- در صورت اثبات تابعیت ایرانی فرد مشکوک توسط شورای تامین شهرستان (نمونه های شماره ۱۹ و ۲۰)، در اجرای ماده ۴۵ قانون ثبت احوال نتیجه بررسی فقط در سند سجلی قید و شناسنامه وی مسترد می گردد.

۳- در صورت اثبات تابعیت ایرانی افرادی که اسامی آنان قبلاً در لیست افراد مشکوک ثبت گردیده است، مراتب جهت حذف اسامی آنان از لیست های مذکور به اداره کل امور سجلی و پژوهش اعلام خواهد شد.

۴- هر گاه هویت و تابعیت ایرانی فرد مشکوک مورد تایید قرار نگرفت، رای شورای تامین جهت ابطال سند سجلی شناسنامه به وسیله هیأت حل اختلاف به اداره ثبت احوال مربوط ارسال می گردد، سپس گزارش مشروح و مستدل همراه با نظریه شورای تامین شهرستان و پرونده و مدارک به دست آمده جهت تعقیب قانونی به حوزه قضایی محل فرستاده می شود.

لازم به توضیح است که شورای تامین شهرستان منبعث از شورای امنیت کشور است. یکی از وظایف شورای تامین شهرستان از سال ۱۳۶۴ بررسی تابعیت اشخاص مشکوک التابعه با ترکیبی سیاسی امنیتی و جایگاه حاکمیتی قوه مجریه می باشد.



شورای تامین مانند شورای امنیت کشور صرفاً به منظور شور در امور امنیتی تشکیل می‌گردد و حق تصمیم‌گیری با نمایندگان وزارت کشور، استاندار، فرماندار و بخشدار است.<sup>۱</sup>

بنابراین با توجه به دستورالعمل اجرایی ماده ۴۵، چنانچه تابعیت ایرانی شخص مشکوک التابعه مورد تایید شورای تامین شهرستان قرار نگرفت، رأی شورای تامین به هیأت حل اختلاف ارسال می‌گردد. در مورد جایگاه قانونی هیأت حل اختلاف باید بیان داشت که طبق ماده ۳ قانون ثبت احوال در مقر هر اداره ثبت احوال هیأتی به نام هیأت حل اختلاف مرکب از رئیس اداره و مسوول بایگانی یا معاونان و نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور به انتخاب رئیس اداره ثبت احوال استان تشکیل می‌شود. یکی از وظایف این نهاد ابطال شناسنامه است لذا هیأت حل اختلاف بعد از دریافت رأی شورای تامین، شناسنامه وی را مبنی بر رد تابعیت فرد مشکوک التابعه باطل می‌نماید.

#### ۴- نقدی بر نحوه عملکرد مراجع ذی‌ربط در برخورد با افراد مشکوک التابعه

با عنایت به فلسفه وجودی ماده ۴۵ قانون ثبت احوال، لازم است در خصوص افراد بیگانه‌ای که با ایرانی قلمداد کردن خود، موفق به اخذ شناسنامه به طور قانونی یا غیر قانونی گردیده‌اند، نسبت به تشکیک در تابعیت ایشان و تشکیل پرونده مشکوک اقدام شود، از طرفی توجه به اصل دهم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط باید جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» بنا بر اصل بیستم این قانون که تصریح می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند...» ایجاب می‌نماید تا این امر بر اساس دلایل و قراین منطقی باشد.

چنانچه مراجع انتظامی باید نهایت دقت را در امر بررسی هویت داشته باشند، همچنین مراجع اطلاعاتی که در انجام تحقیقات شورای تامین نقش موثری دارند، باید وضعیت تابعیت فرد مشکوک التابعه را به طور دقیق مشخص نمایند چرا که گاهی دلایل و قراین بر غیر ایرانی بودن وجود نداشته، بنابراین صرف گزارش‌های واهی و بی‌اساس که بعضاً مغرضانه است، نباید موجب تشکیل پرونده مشکوک التابعه برای فردی شود،

۱- ماده ۹ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور، مصوب ۱۳۶۲/۶/۸.



همچنین گویش و لهجه افراد نباید موجب شک در تابعیت ایشان شود چرا که معمولاً دوسوی مرزهای کشور ما و کشورهای همسایه دارای گویش و لهجه‌های مشابه هستند. از طرفی شورای تامین مهمترین مرجع احراز یا رد تابعیت اشخاص مشکوک التابعه است، بنابراین انتظار می‌رود که با ساز و کاری بسیار دقیق در خصوص وظیفه محوله در ماده ۴۵ قانون ثبت احوال و تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌های افراد مشکوک التابعه همچنین به کارگیری از تمام توان اعضای شورا انجام وظیفه نمایند.

پیشنهاد می‌گردد شورای تامین شهرستان، هنگام انجام تحقیقات علاوه بر نکات مذکور از شیوه‌های علمی روز نیز استفاده نماید، از جمله گرفتن آزمایش DNA در امر وراثت و نسب که می‌تواند بسیار مفید و موثر باشد مثلاً وقتی آقای الف مدعی است آقای ب و خانم ج که ایرانی الاصل می‌باشند، برادر و خواهر وی هستند، این آزمایش جهت کشف واقع می‌تواند بسیار موثر باشد.

علاوه بر موارد فوق لازم است شوراهای محترم تامین شهرستان، حداقل‌های اصول دادرسی را به عنوان یک مرجع رسیدگی غیر قضایی به عمل آورند لکن آنچه در عمل مشاهده می‌شود، این است که ادارات ثبت احوال نسبت به گزارش اولیه اقدام نموده و تحقیق و بازجویی از افراد مشکوک التابعه توسط کارمندان ثبت احوال صورت گرفته و سایر تحقیقات توسط مراجع انتظامی و اطلاعاتی انجام می‌گیرد؛ با توجه به اینکه ماده ۴۵ قانون ثبت احوال، شورای تامین را مرجع اثبات تابعیت اعلام نموده، شخصی که به عنوان مشکوک التابعه اعلام شده، اجازه حضور و ارایه دلایل مبنی بر اثبات تابعیت خود را در این شورا ندارد، حتی گاهی مشاهده شده که اعضای این شورا نسبت به رد تابعیت افراد متوفی اتخاذ تصمیم نموده‌اند.

ذکر این مطالب از باب بیان نقاط ضعف شورای تامین نیست بلکه از حیث توجه دادن اعضای شورا به انجام وظیفه خطیر قانونی و حفظ حقوق آحاد مردم و توجه به اصول قانون اساسی که منشور حکومت و نظام جمهوری اسلامی ایران است، می‌باشد.

## ۵- رأی وحدت رویه شماره ۶۵۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور<sup>۱</sup> و نقدی

بر آن

حال که به رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور پرداختیم، نکاتی را که در خصوص

۱- لازم به ذکر است باتوجه به اهمیت رأی وحدت رویه عیناً آورده می‌شود (به نقل از شماره ۱۶۶۷۹-۱۳۸۱/۳/۱۸ روزنامه رسمی شماره ۲۲/۶ هـ ۱۳۸۱/۳/۸- پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۶/۸۰ هیأت عمومی).



این رای قابل توجه است، مورد بررسی قرار می‌دهیم.  
آنچه مورد توجه اعضای محترم هیات عمومی دیوان عالی کشور قرار نگرفته، این است که اولاً باتوجه به ماده ۳ قانون ثبت احوال فلسفه وجودی این هیات، حل اختلاف یا رفع اختلاف یا رفع اشتباه در اسنادسجلی می‌باشد که بندهای ۵ گانه ماده ۳ همگی



هیات عمومی محترم دیوان عالی کشور احتراماً به عرض می‌رساند: مدیرکل ثبت احوال استان خراسان طی نامه شماره ۱۹/۱/۷۲۱۵۰ مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۶ تصویر دو فقره دادنامه شماره ۱۷/۳۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۵ صادره از شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور و دادنامه شماره ۹/۱۹۲ مورخ ۱۳۷۶/۷/۲۷ صادره از شعبه ۹ دیوان عالی کشور را ارسال و اعلام داشته است که در مورد صلاحیت دادگاه‌های دادگستری را برای رسیدگی به امر تابعیت و دخالت قضایی در آن، در شعب ۹ و ۱۷ دیوان عالی کشور اختلاف نظر در استنباط قانونی حادث گردیده، با بررسی احکام مزبور و سوابق امر در پرونده‌های مربوطه خلاصه جریان کار توصیف و تهافت احکام تشریح می‌گردد.

۱- در پرونده کلاسه ۱۱۱۵/۷۴-۱۳ آقای عبدالحسین به شرح دادخواست تقدیمی در شعبه ۱۳ دادگاه عمومی مشهد به تصمیم شماره ۱۳۷۴/۹/۹۸-۸۹۷ هیات حل اختلاف اداره ثبت احوال مشهد مبنی بر ابطال شناسنامه خود و فرزندان او، معترض و درخواست ابطال تصمیم یادشده را می‌نماید خواننده طرف دعوی (اداره ثبت احوال مشهد) اقدامات خود را مبتنی بر تصمیم مورخه ۱۳۷۴/۸/۲۴ شورای تأمین شهرستان مشهد اعلام و ضمن بیان ایرادات خود، درخواست رد اعتراض خواهان را می‌نماید شعبه ۱۳ دادگاه عمومی مشهد به موجب دادنامه شماره ۹۳-۲۸۸-۵۸/۱۰۴۱-۱۳۷۵/۱۱/۲۴ با استدلال به این که بر تایید رای هیات حل اختلاف ثبت احوال مشهد صادر می‌نماید. پس از درخواست تجدیدنظرخواهی موضوع در شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان مطرح و شعبه مذکور طی دادنامه شماره ۵۸/۱۰۴۱-۱۳۷۵/۱۱/۲۴ با استدلال به این که (تجدیدنظر خواه ساکن ایران بوده و دلیلی بر افغانی بودن وی از طرف تجدیدنظر خوانده اقامه نشده و به موجب بند ۱ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایرانی تلقی می‌گردد) بانقض حکم صادره از شعبه ۶ دادگاه عمومی مشهد نهایتاً بی‌اعتباری تصمیم هیات حل اختلاف را اعلام و دستور استرداد کلیه شناسنامه‌های تجدیدنظر خواه و فرزندان را صادر می‌نماید و بر اثر درخواست اعمال ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب موضوع در شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور مطرح و شعبه مذکور به شرح آتی اتخاذ تصمیم می‌نماید:

اعتراضات تجدیدنظر خواه وارد نیست و رای شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان بنا به جهات و دلایلی که در آن ذکر گردیده باتوجه به اوضاع و احوال قضیه مغایرتی با موازین شرعی و قانونی ندارد و از لحاظ رعایت اصول و قواعد رسیدگی نیز بر دادنامه اشکالی وارد نیست، در نتیجه رد تقاضای اعمال ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اعلام می‌گردد.

۲- در پرونده کلاسه ۲۶۶۲/۷۳-۲۳ آقای سیدمحمد طاهر به شرح دادخواست تقدیمی در شعبه ۳۳ دادگاه عمومی مشهد به تصمیم شماره ۲۹۸۱ مورخه ۱۳۷۳/۱۰/۱ هیات حل اختلاف اداره ثبت احوال مشهد مبنی بر ابطال شناسنامه خود و فرزندان او معترض و درخواست ابطال تصمیم یادشده را می‌نماید. خواننده طرف دعوی (اداره ثبت احوال مشهد) اقدامات خود را مبتنی بر تصمیم مورخه ۱۳۷۳/۸/۱۸ شورای تأمین شهر مشهد دایر بر عدم تایید تابعیت ایرانی برای نامبرده اعلام و ضمن بیان ایرادات و مدافعات خود درخواست رد اعتراض خواهان را می‌نماید.

شعبه ۳۳ دادگاه عمومی مشهد به موجب دادنامه شماره ۱۲/۱۸۴۷ مورخه ۱۳۷۴/۱۱/۱۹ ضمن رد اعتراض خواهان، حکم بر تایید رای هیات حل اختلاف ثبت احوال مشهد صادر می‌نماید، پس از تجدیدنظرخواهی خواهان موضوع در شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان مطرح، شعبه مذکور طی دادنامه شماره ۱۰۸/۶۶۸-۱۳۷۵/۷/۳۰ با استدلال به اینکه (هر چند تجدیدنظر خواه و وکیل وی مدعی هستند که فرزندان تجدیدنظر خواه در ایران متولد شده‌اند و طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی تابعیت ایرانی دارند و هر چند که عدم تایید تابعیت فرزندان از ناحیه شورای تأمین شهرستان مشهد قابل تامل است لیکن دخالت دادگاه‌ها در امر تابعیت و جاهت ندارد و مصوبه شماره ۶/۱/۴۶۸۹۴ هـ ش مورخه ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای امنیت





حکایت از این مطلب دارد و نکته مهم تر اینکه هنگام تردید در تابعیت و مواجهه شدن با افراد مشکوک التابعه برابر ماده ۴۵ قانون ثبت احوال، رییس اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه جهت اثبات تابعیت تکلیف دارد که برابر دستورالعمل اجرایی ماده ۴۵ موضوع را به شورای تامین اعلام دارد تا این مرجع در خصوص احراز تابعیت ایرانی یا



کشور موید این امر است که موضوع تابعیت فقط در مرجع شورای تامین شهرستان قابل رسیدگی و اظهار نظر می باشد که قانوناً هم غیر قابل اعتراض و قطعی است و در نتیجه هیات حل اختلاف اداره ثبت احوال مکلف به ابطال شناسنامه های مزبور بوده و رای تجدید نظر خواسته منطبق با موازین است و قابل تایید است و رای بر تایید و ابرام آن صادر و اعلام می گردد. پس از درخواست اعمال ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب موضوع در شعبه ۹ (نهم) دیوان عالی کشور مطرح و شعبه مذکور به شرح آتی اتخاذ تصمیم می نماید:

(تجدید نظر خواهی مجدد... موجه به نظر نمی رسد زیرا صرف نظر از اینکه سمت ولایت متقاضی تجدید نظر نسبت به چند نفر از فرزندان خود به لحاظ رسیدن به سن بلوغ و رشد زایل شده و نامبرده فاقد سمت است، اساساً نظر به اینکه به صراحت مقررات ماده ۴۵ قانون ثبت احوال تنها مرجع صالح برای احراز هویت اشخاص مشکوک الهویه ماموران انتظامی و امنیتی و ایضا تنها مرجع صالح برای رد یا قبول تابعیت و تشخیص تابعیت شش نفر از فرزندان تجدید نظر خواه را رها نموده و با توجه به اینکه نامبرده قبل از تحصیل تابعیت جمهوری اشخاص مشکوک الهویه شورای تامین شهرستان می باشد و به لحاظ اینکه شورای تامین شهرستان مشهد به استناد گزارش ماموران انتظامی و اطلاعاتی مشهد که اعلام کرده اند، سید محمدطاهر فرزند سید احمد، بلخی و اهل قریه ابخور شهرستان سنچارک ولایت جوزجان افغانستان است، به موجب تصمیم متخذه در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۸ خود هویت و تابعیت ایرانی سید محمدطاهر و فرزندانش را احراز و تایید نکرده و بر این اساس هیات حل اختلاف اداره ثبت احوال مشهد اقدام به ابطال اسناد سجلی اسلامی با ارتکاب جرم وایرانی قلمداد کردن خود موفق به اخذ شناسنامه برای خود و فرزنداناش شده و لذا بنا به جهات اشعاری تجدید نظر خواهی مجدد نامبرده و دادرسی دیوان عالی کشور موجه نبوده و مردود اعلام می گردد.

ملاحظه می شود شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور با تایید دادنامه صادر شده از شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان خراسان، صلاحیت دادگاه را برای رسیدگی به امر تابعیت احراز و شعبه ۹ دیوان عالی کشور با احراز صلاحیت شورای تامین شهرستان برای تایید رد و تشخیص تابعیت صلاحیت دادگاه را نفی نموده است لذا همان طوری که مدیر کل ثبت احوال استان خراسان اعلام نموده، با تحقق اختلاف موضوع مشمول مقررات ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری است و اقتضا دارد هیات عمومی محترم دیوان عالی کشور نسبت به موضوع مختلف فیه اظهار رای و نظر فرماید.

معاون اول دادستان کل کشور - محمدجعفر منتظری

به تاریخ روز سه شنبه: ۱۳۸۱/۱۰/۲۰ جلسه وحدت رویه قضایی هیات عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، رییس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای محمدجعفر منتظری، معاون اول دادستان محترم کل کشور و جناب آقایان، روسا و مستشاران و اعضای معاون شب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و استماع عقیده جناب آقای محمدجعفر منتظری، معاون اول دادستان محترم کل کشور مبنی بر «در خصوص پرونده وحدت رویه ردیف: ۳۶/۸۰ به شرح ذیل اظهار نظر می شود: هر چند طبق ماده ۴۵ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی آن اثبات تابعیت اشخاص به شورای تامین شهرستان تفویض شده است و شورای تامین شهرستان مشهد نسبت به تابعیت خواهان ها اتخاذ تصمیم نموده و تابعیت آنان را نسبت به کشور جمهوری اسلامی ایران منتفی دانسته و متعاقب آن جهت ابطال شناسنامه های صادره به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۳ همان قانون ارجاع داده است لکن به موجب ماده ۴ قانون مزبور رسیدگی به شکایات اشخاص ذی نفع از تصمیمات هیات حل اختلاف که در مهلت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ تقدیم شود، در صلاحیت دادگاه شهرستان محل اقامت خواهان به عمل می آید و رای دادگاه هم فقط پژوهش پذیر است لذا صرف نظر از صحت و سقم رای شعبه ۱۱ تجدید نظر استان خراسان، رای شعبه ۱۷ دیوان





رد تابعیت ایرانی شخص مشکوک التابعه پس از بررسی‌های لازم اتخاذ تصمیم نماید. قابل ذکر است که تنها در این مقام یعنی رسیدگی به تابعیت افراد مشکوک التابعه، رییس اداره ثبت احوال که رییس هیات حل اختلاف نیز می‌باشد، با داشتن حق رای در جلسات شورای تامین شرکت خواهد داشت و از طرفی پس از رد تابعیت ایرانی فرد مشکوک التابعه توسط شورای تامین شهرستان، هیات حل اختلاف محل صدور شناسنامه اقدام به صدور رای مبنی بر ابطال سندسجلی و شناسنامه می‌نماید.

پس اینکه هیات محترم عمومی دیوان عالی کشور اعلام داشته در صورت اعتراض معترض، هیات حل اختلاف مقرر در ماده سوم قانون ثبت احوال نسبت به موضوع رسیدگی و اظهار نظر می‌کند. با توجه به جایگاه قانونی شورای تامین شهرستان و شانیت این شورا و ترکیب اعضا و فلسفه ارجاع رسیدگی امر تابعیت در خصوص افراد مشکوک التابعه به این شورا و جایگاه قانونی و ترکیب اعضای هیات حل اختلاف که رییس این هیات در خصوص شخص مشکوک التابعه قبلاً اظهار عقیده نموده، آیا در مقام اعتراض این اشخاص جایگاه قضایوتی دارد؟ آیا این مطالب با اصول دادرسی مغایرت دارد یا خیر؟ یا اینکه این هیات همانطور که در دستورالعمل اجرای ماده ۴۵ قانون ثبت احوال آمده است، صرفاً به ابطال سندسجلی و شناسنامه شخص مشکوک التابعه اقدام می‌نماید و پس از ابلاغ رای هیات حل اختلاف برای ذی نفع حق شکایت، آن هم ظرف ۱۰ روز وجود دارد تا در دادگاه محل اقامت خویش اقدام نماید؟

دستورالعمل اجرایی ماده ۴۵ مصوب ۱۳۸۱/۳/۸ شورای عالی ثبت ۱۰ روز قبل از انتشار رای وحدت رویه ۶۵۸-۱۳۸۱/۱/۲۰ یعنی ۱۳۸۱/۳/۱۸ تصویب گردیده است. بدان کیفیت که ذکر شده‌های حل اختلاف نیز بر اساس مصوبه شورای عالی ثبت



عالی کشور از این نظر که دادگاه صالح به رسیدگی دانسته مورد تایید می‌آید» مشاوره نموده و اکثریت قریب به اتفاق بدین شرح رای داده اند:

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۴۵ قانون اصلاح ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ هرگاه تابعیت فردی مورد تردید واقع شود، شورای تامین شهرستان موضوع را بررسی و اداره ثبت احوال بر اساس گزارش شورای مذکور مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید. در صورت اعتراض معترض، هیات حل اختلاف مقرر در ماده سوم قانون ثبت احوال نسبت به موضوع رسیدگی و اظهار نظر می‌کند و تصمیم هیات بر طبق ماده چهار قانون مذکور قابل اعتراض در دادگاه عمومی است.

بنا به رای شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد، با اکثریت آرای اعضا هیات عمومی صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رای وفق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

احوال عمل می‌نمایند و هیچگاه در جایگاه و مقام رسیدگی به اعتراض به تصمیمات شورای تامین ورود ننموده‌اند و با توجه به مشروح مذاکرات هیات محترم عمومی دیوان عالی کشور و مطالب یادشده و مصوبه شورای عالی ثبت احوال یعنی دستورالعمل اجرایی ماده ۴۵ قانون ثبت احوال مورخ ۱۳۸۱/۰۳/۰۸ نسبت به رای وحدت رویه مورد بحث ۱۳۸۱/۰۱/۲۰ موخر التصویب می‌باشد این جمله از رای وحدت رویه که بیان فرموده‌اند « و در صورت اعتراض معترض، هیات حل اختلاف مقرر در ماده سوم قانون ثبت احوال نسبت به موضوع رسیدگی و اظهار نظر می‌کند» در خصوص افراد مشکوک التابعه‌ای که دارای سند سجلی و شناسنامه می‌باشند، صحیح و قابل توجه نمی‌باشد و در رای وحدت رویه تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۳ کلاسه ۱۳۷۱،۳۷۰/۳۷۲، ۹۳، شماره دادنامه ۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری آمده است. «باتوجه به استدلال مصرح در رای شماره ۶۵۸-۱۳۸۱/۰۱/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رسیدگی به اعتراض از تصمیمات شورای تامین در خصوص تابعیت اشخاصی که تابعیت ایرانی آنان مورد تردید واقع می‌شود در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است و دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی را به اعتراض نسبت به تصمیم شورای تامین ندارد.» که رای اخیرالذکر موید نظر یادشده می‌باشد.

حال باعنایت به مراتب فوق و به شرح بخش بعدی به چگونگی رسیدگی به اعتراض آرای هیات حل اختلاف ثبت احوال در محاکم حقوقی می‌پردازیم.

## ۶- چگونگی رسیدگی به اعتراض آرای صادره از هیات حل اختلاف موضوع

### ماده ۳ قانون ثبت احوال در محاکم عمومی حقوقی

باعنایت به قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ و ماده ۴ قانون ثبت احوال و رای وحدت رویه ۶۵۸-۱۳۸۱/۱/۲۰ تا زمان اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب یعنی ۱۳۸۱/۷/۲۸ رسیدگی به اعتراض به آرای هیات حل اختلاف در صلاحیت دادگاه‌های عمومی بوده باصلاح قانون مذکور از آن زمان به بعد مرجع صلاحیت دار جهت رسیدگی به این دعاوی باتوجه به ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ اخیرالذکر و رای وحدت رویه ۷۲۶-۱۳۹۱/۰۴/۲۷ هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور دادگاه‌های عمومی حقوقی است.

در صورتی که خواهان در حوزه قضایی دادگاه عمومی بخش اقامت دارد، این نوع دادگاه‌ها صالح به رسیدگی می‌باشند. علی‌ای الحال در خصوص صلاحیت محلی ملاک





دادگاه محل اقامت خواهان می باشد که می تواند محل اقامت، بخش یا شهرستان باشد و این دعوی از دعاوی غیرمالی است. برابر مقررات و قواعد آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی رسیدگی به این دعاوی با تقدیم دادخواست آن هم ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ رای هیات حل اختلاف ثبت احوال به ذی نفع در محاکم عمومی حقوقی و یا دادگاه عمومی بخش برابر مقررات صورت می پذیرد.

در دادخواست تقدیمی باید تمام شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی به طور کامل رعایت گردد که در صورت تکمیل بودن دادخواست دادرسی دادگاه دستور تعیین وقت رسیدگی و ارسال نسخه ثانی دادخواست و ضمایم را برای خواننده (اداره ثبت احوال که هیات حل اختلاف صادر کننده رای معترض عنه در آن مستقر می باشد) به خواسته صدور حکم بر ابطال رای معترض عنه از سوی هیات حل اختلاف (ابطال سند سجلی و ابطال شناسنامه) و ابطال تصمیم شورای تامین (مبنی بر رد تابعیت خواهان) ارسال می دارد.

در بیشتر موارد، تقدیم این دادخواستها از سوی وکلای دادگستری به عمل می آید. دادگاه با توجه به مباحث تابعیت که قبلاً بیان گردید و اصول ۳۴، ۴۱، ۴۲، ۵۷، ۶۱، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰ قانون اساسی که در این مقام فقط به ذکر شماره اصول یاد شده از باب اختصار بسنده می شود و بند ۹ سیاستهای کلی نظام، وارد رسیدگی می شود.

در جلسه اول رسیدگی معمولاً خواننده به تقدیم لایحه اکتفا می نماید و دادگاه به استماع اظهارات خواهان و در صورت داشتن وکیل، اظهارات وکیل اقدام نموده و پس از آن آنچه بسیار مهم و ضروری است، در این نوع پروندهها مطالبه پروندهای که منتهی به صدور رای معترض عنه گردیده که این اقدام در راستای اعمال ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی به عمل می آید.

دستور دادگاه به ادارات ثبت احوال خواننده بدین کیفیت صادر می گردد: «پروندهای که منتهی به صدور رای معترض عنه گردیده است توسط نماینده بصیر و مطلع در وقت رسیدگی تعیین شده ارایه شود» برای این جلسه معمولاً وقت موسع در نظر گرفته می شود و جلسه دادگاه با حضور طرفین پرونده تشکیل و پرونده معترض عنه باکمال دقت توسط دادرسی دادگاه مطالعه و ملاحظه می گردد. پس از آن اظهارات نماینده ثبت احوال نیز استماع می شود به دفاعیات خواهان و یا وکیل ایشان نیز توجه و پرداخته می شود و دستور تهیه تصویر از اوراق مهم پرونده ملاحظه شده صادر می گردد. در ادامه رسیدگی و ضرورتاً جلسات بعدی به نحوه چگونگی صدور سند سجلی و



شناسنامه خواهان پرداخته می شود که این موضوع می تواند بسیار مهم باشد. علت صدور سند سجلی و شناسنامه برابر مقررات و قوانین صادر گردیده است یا خیر؟ در ادامه رسیدگی چنانچه خواهان ووکیل ایشان به شهادت شهود استناد جسته باشد، قرار استماع شهادت شهود صادر می گردد که در این خصوص بهتر است حداقل از شهودی استفاده شود که از نظر سنی از خواهان مسن تر باشند یا حداقل با وی هم سن باشند، در نهایت دادگاه با بررسی تمام جوانب و مراتب پس از اعلام ختم دادرسی مبادرت به صدور حکم می نماید که این حکم می تواند برابر خواسته خواهان باشد یا تایید رای معترض عنه در این جایگاه نمونه ای از آرای صادره از سوی شعبه ۳۰ دادگاه عمومی حقوقی مشهد که در سال ۱۳۸۷ صادر گردیده است و پس از اعتراض خواننده در سال ۱۳۸۸ از سوی شعبه محترم ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی رسیدگی و تایید گردیده به شرح ذیل آورده می شود.<sup>۱</sup>

۱ - کلاسه پرونده: ۸۷۰۲۴۴ شعبه ۳۰ دادگاه عمومی مشهد شماره دادنامه: ۸۵۰۰۸۵۰۱۱۲۵۰۹۹۷۵۱-۸۷۰۸۷۰۷۳۰ احکام خواهان: عزیز اله خواننده: اداره ثبت احوال مشهد به آدرس مشهد، چهارراه خیام خواسته: اعتراض به رای صادره از هیات حل اختلاف ثبت احوال رأی دادگاه:

در خصوص دعوی خواهان آقای عزیز اله، فرزند محمدحسین به طرفیت خواننده اداره ثبت احوال مشهد به خواست اعتراض به رای صادره به شماره ۹۷۹۸-۸۶/۹/۵ اداره ثبت مشهد. خواهان در متن دادخواست ضمن اعتراض به رای یادشده تقاضای ابطال آن را نموده و اظهار داشته که اصالتاً ایرانی است، در مقطعی از زمان به کشور افغانستان مسافرت هایی جهت کسب و کار داشته و در آن کشور با خانم فاطمه که تبعه کشور افغانستان است، ازدواج نموده که در نهایت تقاضای ابطال رای مورد اشاره را دادگاه از نموده است. دادگاه پس از تقدیم دادخواست وقت رسیدگی تعیین و طرفین را دعوت به حضور می نماید در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۴/۳۰ دادگاه قرار ملاحظه پرونده ای که منتهی به صدور رای معترض عنه گردیده است و استماع شهادت شهود را صادر می نماید.

در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۰ در وقت مقرر دادگاه اظهارات آقای عباس فرزند ماشاءاله، آقای غلامعلی فرزند غلامحسن، خانم معصومه فرزندمهدی را اخذ می نماید. دادگاه در اتنای رسیدگی در خصوص دعوی خواهان آقای فرهاد اصالتاً و از طرف فرزند وی به نام ماندانا ولایتا به طرفیت خواننده هیات حل اختلاف اداره ثبت احوال مشهد به خواسته اعتراض به رای (تصمیم) شماره ۹۷۹۸-۱۳۸۶/۹/۵ هیات حل اختلاف که در پرونده کلاسه ۳۰/۸۷۰۲۶۱ مطرح رسیدگی می باشد و در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۷ دادگاه جهت کشف واقع ملاحظه سوابق سجلی ۱۳۵۵ حوزه ۲ مشهد مربوط به آقای فرهاد و ۲- خانم ماندانا به شماره شناسنامه ۹۲ و ملاحظه پرونده مطروحه در هیات حل اختلاف ثبت احوال مشهد که منتهی به صدور رای شماره ۹۷۹۸-۱۳۸۶/۹/۵ گردیده است، صادر می نماید، در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۶ خلاصه پرونده ای که منتهی به صدور رای معترض عنه گردیده، بدین شرح استخراج و صورت جلسه گردیده است. برگ اول نامه اداره محترم اطلاعات در خصوص تقاضای ثبت ازدواج آقای عزیز اله فرزند محمدحسن با خانم فاطمه تبعه افغانستان می باشد، برگ ۲۳ پرونده واصله از فرماندهی انتظامی مشهد و نتیجه تحقیقات ایشان می باشد. برگ ۲۴ پرونده دستور جمع آوری همه شناسنامه های خانواده. برگ ۴۰ و ۴۱ پرونده گردشکار و خلاصه پرونده و نظر کارشناس ثبت احوال. برگ ۶۳ بر نظر اعضای



کمیسیون ماده ۴۵ قانون ثبت احوال شورای تامین مشهد که نظر نماینده محترم دادسرا در خصوص آقای عزیزاله و فرزندان وی از جمله آقای فرهاد مبنی بر ایرانی نبودن ممتنع می باشد. برگ ۶۸ پرونده در خواست رسیدگی از هیات به خواسته ابطال اسناد سجلی آقای عزیزاله و فرزندان وی. برگ ۷۴ پرونده رای شماره ۹۷۹۸-۱۳۸۶/۹/۵ هیات حل اختلاف ثبت احوال مشهد می باشد. دادگاه در ادامه رسیدگی ملاحظه سوابق سجل شماره ۲۱-۵۸۸۲۱-۵۸۸۲۱ در خصوص آقای عزیزاله فرزند محمدحسین و مریم صادره از حوزه ۲ مشهد متولد ۱۳۲۱ صادره در سال ۱۳۴۹ ضروری تشخیص داده که قرار ملاحظه سوابق یادشده را صادر می نماید و باتوجه به مرتبط بودن پرونده های کلاسه ۸۷۰۲۴۴ و ۳۰/۸۷۰۲۶۱ قرار رسیدگی توامان پرونده های یادشده را صادر و اعلام می دارد.

در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۷/۱۷ سوابق مورد خواسته توسط نماینده محترم اداره ثبت احوال ارایه می گردد که حسب دستور شماره ۱۱۴۷۷-۱۳۴۹/۶/۲۳ برای آقای عزیزاله در تاریخ ۱۳۴۹/۶/۲۳ بدون درج مشخصات سجلی والدین سند شماره ۵۸۸۲۱/۲۱-۵۸۸۲۱ متولد ۱۳۲۱ تنظیم می گردد. در همان روز برای فرزندانش به نام های ملکه، محمد، علی و رضا به مشخصات ۵۸۸۲۲-۵۸۸۲۴-۵۸۸۲۵-۵۸۸۲۵ شناسنامه دریافت می نماید؛ ذیل سند به تایید دو نفر گواه به نام آقای سید محمود و عباس رسیده است. آقای عزیزاله در ادامه بیان می دارد در سال ۱۳۳۷ جهت اخذ شناسنامه اقدام نموده تا اینکه پس از ۱۲ سال در ۱۳۴۹ حسب دستور یادشده منتهی به صدور شناسنامه گردیده است.

در ادامه نماینده محترم خوانده اعلام می دارد از دستور مورد استناد صدور شناسنامه شماره ۵۸۸۲۱/۲۱ سابقه ای باتوجه به مقررات نگهداری اسناد و باعنایت به گذشت زمان وجود ندارد. دادگاه باعنایت به مراتب فوق اظهارات خواهان ها شهادت شهود ملاحظه سوابق مذکور دلیل متقنی که حکایت از صحت تصمیم اعضا محترم کمیسیون ماده ۴۵ قانون ثبت احوال و در نتیجه رای صادره معترض عنه از سوی هیات حل اختلاف موضوع ماده ۳ ثبت احوال (ثبت احوال مشهد) داشته باشد، نیافت و صدور حکم مبنی بر ابطال شناسنامه آقای عزیزاله و سایر فرزندان و فرزندان وی را مغایر قانون تشخیص داده، لذا مستندا به ماده ۳-۴-۴۵ قانون ثبت احوال و رای وحدت رویه شماره ۶۵۸-۱۳۸۱/۱/۲۰-۱۳۸۱ هیات محترم عمومی دیوان عالی کشور و احراز تابعیت خواهان دعوی ایشان را وارد و ثابت تشخیص داده و رای معترض عنه و شماره ۹۷۹۸-۱۳۸۶/۹/۵ هیات حل اختلاف ثبت احوال رانقض می نماید.

رای صادره حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان خراسان رضوی است.

رئیس شعبه ۳۰ دادگاه عمومی حقوقی مشهد-مقدم

کلاسه پرونده ۸۷۰۹۹۸۵۱۱۲۵۰۰۳۳۵

شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی

شماره دادنامه: ۸۸/۱/۱۸-۸۸۰۹۹۷۵۱۳۳۴۰۰۰۷۴

تاریخ رسیدگی ۸۸/۱/۱۸

تجدید نظر خواه: اداره ثبت احوال مشهد

تجدیدنظر خوانده: عزیزاله

جدیدنظر خواسته: رای شماره ۸۷۰۹۹۷۵۱۱۲۵۰۰۸۵۰-۸۷/۷/۳۰ صادره از شعبه ۳۰ دادگاه عمومی مشهد

مرجع رسیدگی کننده شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی

هیأت شعبه:

رئیس شعبه: سید محمود معلمی

مستشار دادگاه: محمد میان بندی.

بسمه تعالی

به تاریخ ۸۸/۱/۱۸ دادگاه در وقت فوق العاده تشکیل و پرونده کلاسه ۱۴/۸۷۱۲۸۷ تحت نظر است باملاحظه مجموع





## نتیجه

بایسته است توجه‌مأموران محترم ثبت احوال به‌اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۴۱ این قانون در خصوص تابعیت و اصل صحیح و معتبر دانستن سند رسمی (شناسنامه) در خصوص موضوع تردید در تابعیت و عنایت به اینکه کارمند ثبت احوال بدون دلایل و قراین قوی و منطقی اقدام به گرفتن شناسنامه اشخاص و تشکیل پرونده مشکوک التابعه ننماید و روسای محترم ادارات ثبت احوال، بدو بررسی‌های لازم را به عمل آورده، سپس در صورت رعایت نکات فوق مفاد و مقررات قانونی، از نیروی انتظامی جهت هویت و از شورای تامین شهرستان تقاضای بررسی تابعیت را بنمایند و شورای‌های تامین شهرستان توجه داشته باشند که برابر ماده ۴۵ قانون ثبت احوال مرجع اثبات تابعیت می‌باشند و این وصف قانونی ایجاب می‌نماید تا به دلایل و مدافعات فرد مشکوک التابعه در این شورا که در واقع جایگاه قضاوتی دارد و اثبات یا رد تابعیت این افراد آثار حقوقی قابل توجهی به بار خواهد آورد توجه کافی و لازم به عمل آورند، همچنین شورای محترم تامین شهرستان به منشای صدور سند سجلی و شناسنامه توجه داشته باشند و در نهایت باتوجه به اصول قانون اساسی و مبحث تابعیت در قانون مدنی به ویژه ماده ۹۷۶ اتخاذ تصمیم نمایند.

در صورت صدور تصمیم رد تابعیت ایرانی فرد مشکوک التابعه و صدور رای به ابطال سند سجلی از سوی هیات حل اختلاف موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال در امر ابلاغ رای به مشکوک برابر آیین نامه مربوط در خصوص هیات‌های حل اختلاف به طور دقیق و صحیح اقدام شود، پس از



محتویات پرونده و مشاوره ختم دادرسی اعلام به شرح آتی مبادرت به صدور رای می‌شود.

بسمه تعالی - رأی دادگاه

تجدیدنظرخواهی اداره ثبت احوال مشهد به ریاست آقای محمد اسماعیل نیکو به طرفیت آقای عزیزاله فرزند محمد حسین نسبت به دادنامه شماره ۸۵۰-۸۷۰۹۹۷۵۱۱۲۵۰-۸۷/۷/۳۰- صادره از شعبه محترم ۳۰ محاکم عمومی مشهد که به موجب آن ضمن پذیرش اعتراض تجدیدنظرخوانده به رای شماره ۹۷۹۸-۱۳۸۶/۹/۵- صادره از هیات حل اختلاف اداره ثبت احوال مشهد نقض گردیده، وارد نیست زیرا رای وفق موازین شرعی و قانونی صادر شده و در این مرحله از دادرسی نیز دلیل جدیدی که موجب خدشه در ارکان رای صادره شود از ناحیه معترض ارایه نشده و به لحاظ رعایت قوانین شکلی نیز ایراد موثری به نظر نمی‌رسد لذا با اجازه حاصله از ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه معترض عنه تایید می‌شود؛ رای قطعی است.



آن مهمترین وظیفه را دادرس دادگاه عمومی حقوقی دارد که نهایت دقت و اهتمام را در رسیدگی به این نوع دعاوی به عمل آورد تا در صورتی که در مراجع قبلی تصمیم ناصحیحی اتخاذ گردیده، در این ملجای قانونی حقوق افراد و آحاد مردم باتوجه به آثار حقوقی آن رعایت شود. در نهایت متذکر می‌گردد حق تقاضای جبران خسارات مادی و معنوی برای افرادی که تابعیت ایرانی ایشان در محاکم حقوقی به اثبات می‌رسد، نسبت به ادارات ثبت احوال و کارمندان آن ادارات که بدون دقت کافی موجبات لطمات روحی و روانی را بر اساس گزارش‌های غیرموجه و بدون رعایت قواعد و مقررات و برخلاف قوانین فراهم آورده‌اند باتوجه به قاعده فقهی تسبیب و قانون مسوولیت مدنی را باید قایل باشیم.

#### فهرست منابع :

- ۱- پروین، فرح ناز، قانون ثبت احوال به انضمام قوانین، دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌ها مربوطه، چاپ اول، ۸۸۳۱.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۰۷۳۱.
- ۳- زاهدی‌نیا، علی؛ موسوی، سیدعلی، طرح پژوهش بررسی حقوق اتباع خارجه در ایران، ۴۸۳۱.
- ۴- سازمان ثبت احوال کشور معاونت حقوقی و سجلی، بررسی روند شکل‌گیری و چالش‌های مربوط به افراد فاقد شناسنامه مشکوک التابعه و کودکان بی‌سرپرست در کشور، زیر نظر پاپلی یزدی، محمدحسین، مشهد، ۰۸۳۱.
- ۵- علی‌آبادی، عبدالحسین، موازین قضایی هیات عمومی دیوان عالی کشور، جلد ۴، حسینیه ارشاد، ۸۶۳۱.
- ۶- قربانی، فرج اله، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، دانشور، ۰۷۳۱.